نام مقاله: ضرورت برپايي نظام ملي اطلاع‌رساني در ايران

نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)

شماره نشريه: 2 \_ شماره دوم، جلد 1

پديدآور: دكتر اسدالله آزاد

مترجم:

چكيده:

پيدايش، گسترش و تحوّل ارتباطات و اطلاعات به منزلة زيربناي توسعه و پيشرفت پايدار ملي در جامعه اطلاع‌گراي امروز، ضرورت برپايي نظام ملي اطلاع‌رساني را ايجاب مي‌كند. تعريف، هدفها، اجزاء تشكيل‌دهنده، و ضرورت تشكيل نظام ملي اطلاع‌رساني، افزون بر ملزومات، ساختار، مراحل كار و شرايط ايجاد و استقرار چنين نظامي در كشور جمهوري اسلامي ايران درنماية اين گفتار است. در پايان، نقش كتابخانه ملي در برنامه‌ريزي و موانع بر سر راه تشكيل نظام ملي اطلاع‌رساني نيز برشمرده مي‌شود.

ارتباطات:

دو دهة سدة بيستم شاهد گسترش روزافزون ارتباطات، اطلاعات و اطلاع‌رساني است، به‌گونه‌اي كه زمان حاضر را عصر انفجار اطلاعات نام نهاده‌اند و پيش‌بيني مي‌شود در قرن آينده روشهاي نوين اطلاع‌رساني مسائل سياسي، اجتماعي، فرهنگي و اقتصادي كشورها را به شدت تحت‌تأثير قرار دهد. ارتباطات به معناي وسيع كلمه عبارت است از كار فردي و جمعي مبادله حقايق و عقايد در هر نظام اجتماعي مشخص. در جوامع امروزي هدفها و نقشهاي اصلي ارتباط را مي‌توان به شرح زير دانست:

- اطلاع‌رساني، يعني گردآوري، ذخيره، پردازش و انتشار اطلاعات- ترجيحاً به شكل ماشيني براي رسيدن و انتظار دستيابي به دركي آگاهانه از وضعيت فرد، جامعه، شرايط ملي و بين‌المللي و اتخاذ تصميمهاي مناسب بر اساس آنها.

- اجتماعي‌كردن، يعني فراهم آوردن پشتوانه‌اي علمي و فكري براي همگان در جهت ايجاد همبستگي و آگاهي اجتماعي و مشاركت فعال در زندگي روزمره.

- ايجاد انگيزش، يعني پيشبرد هدفهاي كوتاه‌مدت و بلندمدت اجتماعي و برآوردن آرزوهاي فردي به منظور تحريك فعاليتهاي فردي و جمعي براي نيل به هدفهاي عام.

- تدارك زمينة گفتگو، يعني ارائه‌ي اطلاعات به منظور روشنترشدن مسائل عمومي و آسان‌كردن توافق همگاني و تقويت توجّه همگان به مسائل محلّي، ملّي و بين‌المللي.

- كمك به پيشرفت فرهنگي، يعني انتشار كالاها و آثار فرهنگي و هنري، حفظ ميراث فرهنگي و گسترش افقهاي فردي از راه بيداركردن قوّة ابتكار و تحريك آفرينش و نيازهاي زيباشناختي.

- ياري به آموزش و پرورش، يعني انتقال دانش براي تكامل معنوي بيشتر، شخصيت‌پروري و كسب مهارتها طي سالهاي زندگي.

- ايجاد سرگرمي، يعني فراهم‌آوري امكان اشاعه و ترويج انواع فعاليتهاي تفريحي براي سرگرمي فردي و جمعي.

- انسجام‌بخشي، يعني قراردادن پيامهاي گوناگون در دسترس افراد، گروهها و ملتها براي كمك به شناخت و درك ديدگاهها و آرزوهاي مشترك و برآوردن انتظار انسجام جمعي.

شايان يادآوري است كه برقراري ارتباطات نوين با اختراع چاپ در سدة پانزدهم آغاز شد و با پديدآمدن جزوه، روزنامه و ديگر ادواريها در سدة هفدهم، در جادة ترقي و تكامل گام نهاد. و در كشورهايي كه از قيد حكومتهاي خودكامه رها بودند، آزادي مطبوعات، آموزش همگاني و بسيج افكار عمومي را به ارمغان آورد. كشف نيروي برق و اختراع رسانه‌هايي چون: تلگراف، تلفن، راديو، سينما، تلويزيون، كاستهاي ديداري، ماهواره، رايانه و جز آنها به تحول و تكامل فن‌آوري اطلاعات انجاميد و همگرايي الكترونيك، پردازش داده‌ها و ارتباطات دوربُرد را ميسّر ساخت. پيشرفتهاي حاصل در دانش ريزالكترونيك و عرضه ترانزيستورها، نيمه‌هاديها، مدارهاي يك‌پارچه و تراشه‌هاي سيليكوني و ايجاد پايگاههاي داده‌ها و بانكهاي اطلاعاتي، مشكل زمان و مكان را در ارسال اطلاعات و برقراري ارتباطات از ميان برد.

پي‌آمد تحولات بالا، گذار از مرحله فرهنگ كتابت به مرحلة فرهنگ چندرسانه‌اي است. مظاهر جديد تمدن و شيوه‌هاي انديشه و راه و رسمهاي زندگي امروزي، رشد و شكوفايي رسانه‌هاي ارتباطي و اطلاع‌رساني را ميسر ساخت. گسترش اين ابزارها از نقش كتابت كاست؛ و گروهها و جوامع را به يكديگر نزديك كرد. شناختها را افزايش داد و تأثير فرهنگهاي عمومي و ملي به برپايي «دهكده جهاني» ياري رساند و اين همه خود به بازگشت فرهنگ شفاهي انجاميده است.

اطلاعات:

در دهكدة جهاني، اطلاعات در كنار عواملي مانند: نيروي انساني، انرژي، ابزارها و سرمايه، يكي از عناصر اصلي رشد و توسعه محسوب مي‌شود. سخن حكيم بزرگ توس، فردوسي عليه‌الرّحمه، كه سرود: «توانا بود هر كه دانا بود» مبيّن اين اصل بديهي است كه در جهان امروز اطلاعات درونماية قدرت و توانايي است. جامعة روز و روزگار ما، جامعه‌اي اطلاع‌گرا است و برتري جهان توسعه يافته نسبت به عقب‌مانده، بيش از آن كه اقتصادي باشد، «اطلاعاتي» است. به سخن ديگر، نخستين وجه تمايز ممالك توسعه‌يافته و توسعه‌نيافته در گرو ميزان توليد، گردآوري، پردازش، اشاعه و كاربرد اطلاعات است. از اين‌رو، كشورهاي توسعه‌نيافته درصددند فاصلة خود را با كشورهاي پيشرفته كاهش دهند و با پي‌ريزي زيربناي اطلاعاتي منسجم و از ميان برداشتن تنگناهاي آن، به مدد برنامه‌هاي تحقيق و توسعه بلندمدت، ميان‌مدت و كوتاه مدت بر مشكل توسعه‌نيافتگي فايق آيند. امروزه، اطلاعات سلاحي براي كسب امتيازات اقتصادي و اجتماعي است و گسترش و ميزان گردش و سهم مؤثر آن در تصميم‌گيريها، تحولاتي بنيادين در جوامع به بارآورده كه اين تحولات را «انقلاب سياسي اطلاعات» ناميده‌اند. به همان اندازه كه اطلاعات در تصميم‌گيريها و برنامه‌ريزيها سهم و نق دارد. سبب بالارفتن آگاهيها، بينشهاي فردي و تغيير رفتار در اجتماعات نيز مي‌شود. اين تغييرات را «انقلاب فرهنگي اطلاعات» خوانده‌اند. انفجار اطلاعات جوامع اين روزگار را ناگزير ساخته تا گردش اطلاعات را با بهره‌جويي از فن‌آوريهاي نوين مهار كند. اين‌گونه مهار و نظارت را «انقلاب صنعتي اطلاعات» ناميده‌اند. ايجاد پايگاههاي داده‌ها و بانكهاي اطلاعاتي بارزترين مجراهاي تجلي انقلاب صنعتي اطلاعات است. تمامي اين تحوّلات در قرن بيستم، پس از جنگ جهاني دوم شكل گرفت و از بطن اين تحولات علمي علم و رشته‌اي تازه با نام «اطلاع‌رساني» زاييده شد. نياز به مبادلة سريع و دقيق اطلاعات و ضرورت داشتن نظامهاي ارتباطي مناسب سبب شده است كه روشها و فنون تازه‌اي براي ذخيره‌سازي، نمايه‌سازي، چكيده‌نويسي، بسته‌بندي و جابه‌جايي اطلاعات به وجود آيد و شبكه‌ها و نظامهاي اطلاع‌رساني پا به ميدان نهد.

اطلاع‌رساني سنگ بناي ترقي و تكامل علوم جديد به شمار مي‌آيد. نظام ارتباط علمي مبتني است بر انتقال اطلاعات و نتايج تحقيقات و فعاليتهاي علمي از طريق شبكه متخصّصان و نظام بررسي و بازبيني از سوي همتايان علمي به ياري دستگاهها و رسانه‌هاي اطلاع‌رساني. كوتاه سخن، وجود ارتباط در علوم و انتقال اطلاعات به منزلة جريان خون در بدن انسان است كه همسويي اطلاع‌رساني و نظريه‌ها و روشهاي آن با فن‌آوري اطلاعات مي‌تواند به بالندگي تن سالم و جان سليم پيكرة دانش بشري ياري رساند. هر كشوري، از جمله جمهوري اسلامي ايران، مي‌بايست هرچه زودتر به اهميت حياتي منابع اطلاعاتي براي افزايش بهره‌برداري در جنبه‌هاي گوناگون زندگي نظير: برنامه‌ريزي، سياست‌گذاري، تصميم‌گيري، تحقيق و توسعه پي ببرد. دانش و آگاهي فقط مي‌تواند حاصل شناخت و استفادة بهينه از اطلاعات باشد. فهيم كسي است كه مي‌داند اجزاي اطلاعات را چگونه در الگويي فكري كه به عمل هوشمندانه خواهد انجاميد، كنار هم بچيند و دانا كسي است كه مي‌داند چگونه از اين الگوها در مسائل زندگي، خلاقانه بهره جويد.

اطلاع‌رساني:

بطور كلي، علم اطلاع‌رساني دربارة راه و روشي است كه مردم اطلاعات را در كارهايشان به كار مي‌گيرند، مطالعه مي‌كند و براي رسانيدن آن‌گونه اطلاعاتي كه آنها براي بهتر انجام دادن وظايفشان نياز دارند، روشهاي كارآمدي تدارك مي‌بينند. بنابراين علم اطلاع‌رساني با راه و روشي سروكار دارد كه افراد مختلف اطلاعات را به وجود مي‌آورند، نمايه مي‌كنند، روي آن عنواني مي‌گذارند، ذخيره مي‌كنند، مي‌جويند، تحليل مي‌كنند، مي‌فرستند و مي‌گيرند و آن را به كار مي‌بندند.[1] از آن‌جا كه بدون وجود ساختار اطلاعاتي منسجم و پيشرفته، عملكرد مؤثر و صحيح حكومتهاي امروزي نيز غيرممكن مي‌نمايد، كليه فعاليتهاي دولتي بطور اعم و برنامه‌ريزي توسعه، بطور اخص، نيازمند انواع مختلف اطلاعات است. بنابراين، هر حكومتي كه قصد دارد به حل مشكلات ملي و بهبود كيفيت زندگي شهروندانش بپردازد، بدون در اختيار داشتن منبع اطلاعاتي دايم و مناسب نمي‌تواند اميد موفقيت داشته باشد.

نظام ملي اطّلاع‌رساني:

به سخني كلي، مجموعة نهادهاي متمركز و هماهنگ اطّلاع‌رساني و نيز مؤسسه‌هاي توزيع‌كنندة اطلاعات را مي‌توان نظام ملي اطّلاع‌رساني ناميد. نظام ملي اطّلاع‌رساني كل پيچيده‌اي است با تعدادي نظامهاي فرعي كه تمامي عناصر تشكيل‌دهندة آن بايد در ارتباط كامل با يكديگر سازماندهي شده و ايفاي نقش كنند. اجزاي متمركز نظام ملي اطّلاع‌رساني عبارت است از:

1- كتابخانه و مركز اسناد ملي

2- مراكز ملي اطلاعات تخصصي علوم گوناگون

3- مركز ملي انتقال اطلاعات

4- مؤسسة ملي استاندارد.[2]

به تعريفي ديگر، نظام ملي اطلاع‌رساني به مجموعه‌اي هماهنگ از نظامهاي فرعي اطلاق مي‌شود كه هر يك حوزه‌اي خاص را زير پوشش خود دارد و مي‌كوشد در آن حوزه به جامعيّت نسبي دست يابد. آنچه اين نظامهاي فرعي را تحت نظام كلي‌تر گردمي‌آورد سياستي است كه بر هماهنگ‌سازي آنها حاكم است و روابطي است كه با استفاده از اين هماهنگي ميان آنها برقرار مي‌شود. بنابراين، مي‌توان گفت كه نظام ملي اطلاع‌رساني از طريق شكل‌گيري نظامهاي فرعي و كوچكتر موضوعي پايه‌گذاري مي‌گردد. اما سياستگذاري براي هماهنگ‌سازي داراي منشأ واحدي است. اين منشأ ممكن است مركزي تصميم‌گيرنده باشد يا ملاكي بيروني كه از قبل وجود داشته و همگان بر آن توافق دارند.[3]

اطلاعات، مانند منابع ديگر نظير: منابع انساني و مالي، منبع ملي است كه سياست عمومي بايد راهبر آن باشد. سياست عمومي مجموعه‌اي از دستورالعملهاي كلي، و معمولاً مبتني بر عوامل: سياسي، اقتصادي، اجتماعي، فرهنگي و ديني است كه براي تخصيص منابع به زيرساختهاي اطلاعاتي، به گونه‌اي كه اطلاعات بتواند نقش خود را در جامعه بازي كند، به مقامات دولتي كمك مي‌كند. اين مكتب فكري، با توجه به تجربه‌هاي پيشين، اين واقعيت را مي‌پذيرد كه سياست اطلاع‌رساني بايد بيشتر مجموعة انعطاف‌پذيري از دستورالعملها باشد تا «خط‌مشي» بايد همه افراد زي‌سهم را متقاعد كند نه يك گروه را، و بايد بر مسائل كلاني كه مبتلا به جامعه است تأكيد ورزد، نه بر ساختارها و نهادهاي خاصّي. بنابراين، هدف سياست اطلاع‌رساني، تدوين مجموعه دستورالعملهاي كلي و انعطاف‌پذير به قصد ايجاد انگيزه و هدايت توسعة زيرساختهاي ملي اطلاعاتي است. اين زيرساختها نيازمند دستيابي به فراهم‌آوري و استفاده از اطلاعات به عنوان وسيله‌اي براي پيشبرد اقتصادي و اجتماعي و بهبود آموزشي اتباع كشور است.[4]

مراحل شكل‌گيري سياست اطلاع‌رساني:

سياست اطلاع‌رساني در هر كشوري و براي تحقق هر هدفي معمولاً مراحل زير را سپري مي‌كند:

نيازهاي اطلاعاتي كشور را تعيين و تعريف مي‌كند و براي آنها اولويّت قايل مي‌شود، براي برآوردن نيازها، با توجه به هدفهاي اصلي كه ممكن است به صراحت بيان شود و نيز ممكن است اصلاً به زبان نيايد، برنامه‌اي تدوين مي‌كند، براي به اجرا درآوردن برنامه و فراهم آوردن موجبات و امكانات عملي به منظور برطرف‌كردن موانع و ايجاد هماهنگي، استراتژي و راه و روشهاي عملي را پيش‌بيني مي‌كند.

يكي از عوامل مؤثر در برنامه‌ريزي نظام ملي اطلاع‌رساني، تنظيم سياست ملي اطلاعات است. سياست ملي اطلاعات در حقيقت انعكاس نيازهاي اطلاعاتي همه بخشهاي اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي جامعه است كه تنظيم آن رهنمودي براي ايجاد نظام ملي اطلاع‌رساني خواهد بود.[5]

دلايل نياز به سياست اطّلاع‌رساني:

دلايل نياز به سياست اطّلاع‌رساني، به منزلة زيربناي نظام ملي اطّلاع‌رساني، مختصراً به شرح زير است:

1- سياست اطّلاع‌رساني مي‌تواند از فاصلة اطلاعاتي ميان غنا و فقر اطلاعاتي بكاهد.

2- سياست اطّلاع‌رساني زمينه‌اي عمومي براي برنامه‌ريزي، توسعه و مديريت زيرساختهاي اطلاعاتي، فراهم مي‌آورد. زيرساختها، دسترسي به اطلاعات مربوط را براي همه شهروندان ميسر مي‌سازند.

3- اطلاعات، مانند منابع انساني و مالي، منبعي بااهميت ملي تلقي مي‌شود. لذا، سياست ملي براي هدايت مديريت بهينه و استفاده از اين سرچشمه ضروري است.

4- سياست اطلاع‌رساني، راهبر تشكيل شبكه‌هاي اطّلاع‌رساني به قصد جلوگيري از دوباره‌كاري است.

5- از آن‌جا كه اطّلاع‌رساني، در توسعة كارآمد و پايدار نقش تعيين‌كننده‌اي دارد، براي هدايت اطّلاع‌رساني به قصد توسعه، دستورالعملهاي سياست‌گذاري لازم است، سياست اطّلاع‌رساني مي‌تواند با به حداكثر رسانيدن منابع اطلاعاتي به پيشرفت فردي و توسعه تشكيلاتي، اجتماعي و ملي كمك كند.[6]

6- سياست اطّلاع‌رساني، هرگاه كه لازم باشد، راهنماي تأسيس زيرساختهاي اطلاعاتي جديد خواهد شد.

عوامل لازم براي ايجاد و استقرار نظام ملي اطّلاع‌رساني، عبارت است از:

- داشتن هدفها و مقاصد روشن.

- داشتن نياز واقعي به اطلاعات.

- داشتن آينده‌نگري، دورانديشي و برآورد واقع‌بينانه از وضعيت موجود خود.

- داشتن روحية مشاركت و آمادگي همكاري و پذيرش هماهنگي.

- نظم و برنامه‌ريزي و كاركردن در چارچوب طرحها و برنامه‌هاي مقرّر.

- پيگيري در مداومت و جديّت در كار.

- سرمايه‌گذاري مادّي، آموزشي و اطلاعاتي.[7]

ملزومات سياست اطّلاع‌رساني:

با توجه به تعاريف، اجزاء تشكيل‌دهنده، شرايط و عوامل لازم پيش‌گفته، براي برپايي نظام ملي اطّلاع‌رساني، به ملزومات زير نياز است:

1- ملزومات اجرايي و سازماني: سازمان مركزي و سياست‌گذار براي برنامه‌ريزي و هماهنگي امور.

2- ملزومات مربوط به استفاده‌كنندگان: قابليت و توان خدمت‌رساني به طيفي گسترده از كاربران.

3- ملزومات عملكرد نظام: جلوگيري از دوباره‌كاري، نظارت و مهار امور، ايجاد و تدوين استاندادرها.

4- ملزومات تكثير و ارائه‌ي اسناد: نظارت بر تهيّه و اشاعة اسناد، بررسي، ارزيابي، وجين، كنترل كتاب‌شناختي، شامل:

الف- سياستهاي بهينة گردآوري، شامل هماهنگ‌سازي فراهم‌آوري در ميان نظامهاي فرعي.

ب- توسعه روشهاي بررسي و طبقه‌بندي اسناد از راه وارسيهاي انتقادي.

پ- نياز به ايفاي وظايف بايگاني و تضمين نگهداي دست‌كم يك نسخة قابل دسترسي از اسناد نظام.

ت- نياز به طراحي سياستهاي مشخص در زمينة وجين اسناد از مجموعه‌هاي در حال خدمت‌رساني.

5- ملزومات اشاعه و خدمات ويژه: لزوم ارزيابي فنون اشاعه بطور مستمر كه خود مستلزم فعاليتهاي زير است:

الف- ايجاد روشها و سازوكارهاي مناسب جهت ذخيره و نشر اسناد.

ب- تضمين قابليت نظام در تهية نسخة چاپي، ريزفرمها و ضبط رايانه‌اي از هر سند.

پ- ايجاد روش توزيع مؤثر و به موقع اسناد.

ت- تعيين معيارها و رهنمودهايي در زمينة كاربرد فنون اشاعة مؤثر.

ث- فراهم‌سازي زمينة اشاعه شفاهي و ديگر شيوه‌هاي غيررسمي انتقال اطلاعات.

6- لزوم ارزيابي نظام: ارزيابي در فواصل زماني معين، همگامي با تحولات و تطابق با شرايط متغيّر.

7- ملزومات آموزش و تعلّم: تكامل و ترقي نظام به نيروي انساني ماهر و كافي بستگي دارد.

ضروري است نظام:

الف- الگوها و پيشنهادهايي براي برنامه‌هاي آموزشي دانشگاهها و دانشكده‌ها ارائه دهد.

ب- استانداردهايي براي ويژگيهاي حرفه مشخص سازد و امكان آموزش ضمن خدمت را فراهم آورد.

ج- زمينه‌هايي براي حمايت، مشاوره و ارائه‌ي كمكهاي مالي در نهادهاي مربوط فراهم سازد.

د- به تعيين معيارهايي در ارتباط به اجراي وظايف گوناگون ياري رساند.

8- ملزومات تحقيق و توسعه: توسعه و تكامل نظام، وجود برنامة هماهنگ‌ تحقيق و توسعه براي آن نظام به عنوان يك كل و نظامهاي فرعي آن را مي‌طلبد.[8]

گامهاي برپايي نظام ملي اطّلاع‌رساني:

پس از پرداختن به ملزومات برپايي نظام اطّلاع‌رساني، يادكرد گامهاي لازم در برپايي و راه‌اندازي نظام ملي اطّلاع‌رساني ضروري به نظر مي‌رسد. اين قدمها را مي‌توان مختصراً به شرح زير بيان داشت:

1- گردآوري اطلاعات موجود: بررسي مدارك دستايند و جمع‌آوري انواع اطلاعات مكتوب اعم از: كتاب، مقاله، سند، گزارش، مواد غيركتابي و ديد و شنودي و جز آنها و تعيين بسنده يا نابسنده‌بودن آن اسناد.

2- برنامه‌ريزي: شناسايي منابع، تعيين روشها و مشخص‌كردن نيازهاي گوناگون كاربران، از جمله:

الف- زمينه‌هاي نياز به اطلاعات مختلف.

ب- شناخت منابع لازم براي استفاده.

ج- شيوه‌هاي نگهداري و ذخيرة اطلاعات.

د- شيوه‌هاي توزيع و اشاعة اطلاعات.

ه‍- خدمات موردنياز كاربران.

و- منابع و شيوه‌هاي تأمين اطلاعات نظير: بررسيهاي ميداني، موردي، محلّي، تماس با متخصصّان، بررسي آثار مكتوب، تماسهاي تشكيلاتي منظّم با سازمانهاي ملّي و بين‌المللي.

3- تلخيص، دسته‌بندي و ترجمة اسناد و مدارك ضروري.

4- تجزيه و تحليل و تفسير اطلاعات فراهم‌آمده.

5- ايجاد پايگاههاي داده‌هاي تخصصّي و برپايي بانكهاي اطلاعاتي مجهّز و ماشيني.

6- برقراري ارتباط ميان پايگاههاي داده‌هاي تخصصي و بانكهاي اطلاعاتي به منظور برپايي شبكه‌ها و داد و ستد اطلاعاتي و انتقال اطلاعات به نقاط دلخواه.

7- اشاعه و پخش اطلاعات.

8- كاربرد مفيد اطلاعات در زمينه‌هاي گوناگون، به ويژه در امر تصميم‌گيري.[9]

ساختار نظام اطلاع‌رساني:

نظام ملي اطّلاع‌رساني، ممكن است با دو ساختار رو‌به‌رو باشد، يكي با جزائي پراكنده، گسسته و نامرتبط به يكديگر به صورت غيرارگانيك (اطلاعات خرد) و ديگري با عناصري منضبط، پيوسته و مرتبط به صورت ارگانيك (اطلاعات كلان).

نظام ملي اطّلاع‌رساني در ساختاري پراكنده، اگر نگوييم غيرممكن، بسيار دشوار است. آگاهي از اطلاعات هر يك از اجزاء ايجاد هماهنگي ميان آنها، فراهم آوردن امكان مبادله، كنار هم نهادن اطلاعات خرد براي دست يافتن به اطلاعات كلان در چنين ساختاري تقريباً غيرممكن است.

از سوي ديگر، دستيابي به اطلاعات شامل و جامع براي برنامه‌ريزيهاي درازمدت در سطح ملي عملاً تحقق‌نيافتني است. طبعاً ايجاد ارتباط اطلاعاتي در مقياس بين‌المللي نيز برپايه چنين ساختاري ميسر نخواهد بود.

اما هرگاه اطلاعات همگن دريافتي واحد و با پيروي از ملاكي ازپيش‌تعيين‌شده قرار گيرد به گونه‌اي كه مراكز هم‌نسخ از نظامي هماهنگ تبعيّت كند، نظام ملي اطّلاع‌رساني به صورت هرمي تنها با نظامهاي فرعي شامل بر هر نسخ سروكار خواهد داشت. اين نظامهاي فرعي در چنين ساختاري ديگر اجزاء پراكنده و نامرتبط نخواهد بود، بلكه هر نظام به نوبة خود نوعي نظام ملي است كه فعاليتي خاص را عهده‌دار است و در حوزه‌اي مشخص به ايجاد نظامي يكپارچه از اطلاعات خرد آن حوزه مي‌پردازد و در مواقع اطّلاع‌رساني كلان، آن حوزه را تأمين و تضمين مي‌كند، نظير: نظام اطلاع‌رساني پزشكي، كشاورزي، صنايع، چاپ و نشر و امثال آن. اين نظامها گرچه تنها به قلمروي خاص مي‌پردازند، لكن چون در مقياس ملي عمل مي‌كنند، به نوبه خود نوعي نظام ملي محسوب مي‌شوند. نظام ملي اطّلاع‌رساني از برآيند اين گونه نظامهاي فرعي پديد مي‌آيد، زيرا مي‌كوشد آنها را دريافتي همگن قرار داده و با استفاده از يافته‌هاي آن نظامها، به صورت هماهنگ در سطح ملي و بين‌المللي به اشاعه و مبادله اطلاعات بپردازد.[10]

فوايد ساختار اطّلاع‌رساني مرتبط، عبارت است از:

1- مسؤوليت هماهنگي و سازماندهي اطلاعات ميان نظامهاي ذي‌ربط تقسيم خواهد شد و اين توزيع سبب خواهد گرديد كه مسؤوليتها، بررسي و مهارپذير باشد.

2- در بودجه، نيروي انساني، امكانات فني و وقت صرفه‌جويي خواهد شد.

3- اطلاعات از صورت پراكنده به صورت منضبط درخواهد آمد و كار ارائه‌ي اطلاعات در سطوح مختلف سامان خواهد يافت.

4- برنامه‌ريزيهاي درازمدت مملكتي به دليل دسترسي به اطلاعات كلان در هر يك از بخشهاي: اقتصادي، اجتماعي، صنعتي و امثال آن با واقعيت، سازش بيشتري خواهد داشت.

5- با دستيابي به اطلاعات كلان، توليد اطلاعات خرد از نظم و روال شايسته‌اي برخوردار خواهد شد.

6- سرمايه‌گذاريهاي ملي با توجه به نيازهاي واقعي و آينده‌نگريهاي مبتني بر وضع موجود، به گونه‌اي كه درواقع هست صورت خواهد گرفت.

7- داد و ستدهاي اطلاعاتي در سطح بين‌المللي از مجرايي مشخص صورت خواهد پذيرفت و از دوباره‌كاريها و صرف دوباره و چندبارة پول و وقت و نيرو پرهيز خواهد شد.

اين همه در صورتي ميسر است كه جرياني دوسويه ميان اجزاء هرم اطلاعاتي، پيوسته از اطّلاع‌رساني خرد به سوي اطّلاع‌رساني كلان و آن گاه نظام ملي اطّلاع‌رساني، و بالعكس از نظام ملي اطّلاع‌رساني به سوي نظام اطّلاع‌رساني كلان و سپس خرد برقرار باشد.[11]

هماهنگ‌كنندة نظام اطلاعاتي:

براي آن نظام ملي اطّلاع‌رساني به خوبي عمل كند، بايد هماهنگي و توازن كامل ميان اجزاي اصلي آن برقرار باشد. اين امر مستلزم تدوين و پذيرش يك سياست اطلاعات ملي مشخص در زمينة كار و وظايف سازمانها و اجزاي مختلف درون نظام، اعم از دولتي يا خصوصي است. بنابر دلايلي چند، كتابخانة ملي نقش عمده‌اي را در برنامه‌‌ريزي نظام ملي اطّلاع‌رساني برعهده دارد. كتابخانة ملي بايد نقش هستة مركزي شبكة بين‌المللي كتابخانه‌اي را ايفا كند و خدمات زير را- دست كم- انجام دهد:

1- خدمات كتاب‌شناختي:

الف- ارائه‌ي اطلاعات كتاب‌شناختي مدارك به صورت فهرست‌برگه يا رايانه‌اي.

ب- برعهده‌گرفتن نقش مركز ملي «كنترل كتاب‌شناختي جهاني» و برنامه‌هاي مشابه.

2- خدمات اماني:

الف- عهده‌دار شدن نقش مركز ملي تبادل مدارك يا خارج.

ب- ارائه‌ي خدمات لازم براي امانت بين‌كتابخانه‌ها در داخل.

3- خدمات اطلاعاتي، ارجاعي، مرجع:

الف- ايفاي نقش كتابخانة اطلاعاتي و مرجع مادر و ارائه‌ي خدمات ارجاعي و مرجع در سطح ملي.

3- مجموعه:

الف- گردآوري، سازماندهي و نگهداري منابع و مدارك براي ارائه‌ي خدمات فوق.

ب- فراهم‌سازي تسهيلات مبادلة مدارك ميان كتابخانه‌ةاي داخل كشور.

ج- فراهم‌سازي امكان مبادلة مدارك با كتابخانه‌ها و سازمانهاي خارج كشور.

5- استانداردها:

الف- بالابردن سطح استانداردهاي كتابخانه‌اي، كتاب‌شناختي و ارتباطات براي پيشبرد برنامه‌هاي فوق.

6 - عرضة بين‌المللي:

الف- معرّفي كتابخانة ملي به نحو مؤثر و مناسب در مجامع و گروههاي بين‌المللي.[12]

كميسيون اطّلاع‌رساني:

خوشبختانه در سالهاي اخير به‌گونه‌آي خودجوش سرمايه‌گذاريها و فعاليتهاي بسيار چشمگيري توسط بخشهاي دولتي و غيردولتي ايران در امر اطّلاع‌رساني صورت گرفته است.

از چند سال پيش، كميسيون اطّلاع‌رساني شوراي پژوهشهاي علمي كشور متشكل از مسؤولان واحدهاي ذي‌ربط و صاحب‌نظران به منظور برنامه‌ريزي و هماهنگي در امر اطّلاع‌رساني تشكيل شد و با شروع بحثهاي مربوط به برنامة ملي تحقيقات، با استفاده از تجربيّات، نتيجه مباحث چندسالة خود برنامة ملي اطّلاع‌رساني كشور را تدوين و به شورا پيشنهاد كرد. برنامه ملي اطّلاع‌رساني از هشت سرفصل تشكيل شده و در زيرمجموعة هر سرفصل نيز چند موضوع فرعي عنوان شده است كه در گزارش تفضيلي برنامة ملي تحقيقات اطّلاع‌رساني آورده شده است. در اين برنامه سعي شده است در حد ممكن است كارهاي انجام شده در كشور استفاده شود و از ايجاد تشكيلات جديد نيز خودداري شود. زمينه‌هاي اصلي برنامه‌هاي ملي تحقيقات كميسيون اطّلاع‌رساني شامل موارد زير است:

1- تدوين نظام ملي اطّلاع‌رساني كشور، 2- شبكه اطّلاع‌رساني كشور، 3- ايجاد بانكهاي اطّلاع‌رساني، تدوين استانداردهاي اطّلاع‌رساني، 5- طرح ملي كتابخانه‌ها و مراكز اطّلاع‌رساني كشور، 6- توليد، سازماندهي و اشاعه اطلاعات، 7- شناسايي و احياي نسخ خطي كشور، 8- طرح ملي خبررساني.[13]

موانع برپايي نظام ملي اطّلاع‌رساني:

ايفاي نقش موفقيت‌آميز در جامعه، عمل پوشاندن به پيكرة راهبردهاي بنيادي اطّلاع‌رساني به بازانديشي وظايف، نقشها، مسؤوليتها، محل قرار دادن منابع، مديريت و ساختار سازماني، تسهيلات و امكانات زيربنايي و نيازمنديهاي مربوط به نيروي انساني نياز دارد. افزون بر اين، تحليل جامع گزينه‌هاي يكپارچه‌سازي فن‌آوري اطلاعات دريافت زمينة محيط تدريس و يادگيري بايد در رأس تصميمهاي راهبردي و اهداف كلي قرار گيرد.

در پايان، ضروري است به موانع برپايي نظام ملي اطّلاع‌رساني كه افراد كشور را آماده مشاركت و اداي سهم در جامعه اطلاعاتي آينده مي‌سازد و به اجراي نقشهاي مفيد آنان در اقتصادي متكي بر اطلاعات و كاهش وابستگي به بيگانگان مدد مي‌رساند، اشاره شود:

1- استفاده‌كنندگان، سياستگذاران و تصميم‌گيران يا اين واقعيت را نمي‌پذيرند كه اطلاعات براي توسعه، سرمايه و منبعي ارزشمند است و يا به كلي از ارج و ارزش اطلاعات بي‌خبرند.

2- بي‌سوادي عمومي و به ويژه بي‌سوادي در بازيابي و جايابي اطلاعات سبب مي‌شود كه مردم نتوانند در موقعيتهاي متفاوتي كه نياز دارند، به اطلاعات و استفاده از آن دست يابند.

3- شمار كاركنان و اجدشرايط و مناسب اطّلاع‌رساني اندك است و بسياري از خدمات اطّلاع‌رساني در نواحي در حال توسعه به دست افراد غيرواجد شرايط اداره مي‌شود، افزون بر اين، بر نقش اطلاعات براي توسعه و ربط آن در آموزش كاركنان اطلاع‌رساني به قدر كفايت تأكيد نشده است. اين نكته در باب استفاده مناسب از فن‌آوري اطلاعاتي نيز صادق است.

4- سهم و مبادلة اطلاعات به عنوان مسأله‌اي مهم كه بايد در سياست اطّلاع‌رساني منظور شود، درنظر گرفته نشده است.

5- همة مردم بايد به اطلاعات دسترسي داشته باشند، نظامهاي اطلاعاتي، منابع و خدمات، گاه بسيار پراكنده و مكرر است. فقدان سياست اطّلاع‌رساني كه نقشها و فعاليتها را در بخش اطلاعاتي هماهنگ مي‌سازد، در نارسايي دستيابي استفاده‌كنندگان به اطلاعات سهيم است.

6- پيش‌نياز تدوين سياست اطّلاع‌رساني، تعيين نيازهاي اطلاعاتي همة مردم است كه هنوز مجهول مانده است.

7- فن‌آوري نابسنده و نامناسب تأثيري سوء بر تأمين اطلاعات دارد و اين مسأله را بايد در سياست اطّلاع‌رساني در نظر گرفت.[14]

علي‌رغم موانع بالا، از آن‌جا كه برپايي نظام ملي اطّلاع‌رساني نويدبخش اميدهايي بس بزرگ در دستيابي به افزايش بهره‌برداري و توسعة پايدار و رشد اقتصادي است و چون اين نظام، شاه‌راهي است كه به قلمرو جديدي از تواناييها و نوآوريهاي فنّي، ره مي‌برد و ما را به ميدان اقتصاد فراصنعتي و جامعه اطلاعات محور راهبري مي‌كند، هرگونه تلاشي براي چيره‌شدن بر موانع فوق ضرورتي انكارناپذير است.[15]

--------------------------------------------------------------------------------

[1]. عبدالحسين آذرنگ، اطلاعات و ارتباطات. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، 1370، ص28.

[2] . ضياءالدين سردار، «توسعه نظامهاي ملي اطلاع‌رساني در كشورهاي اسلامي»، ترجمة علي اصغر شيري، پيام كتابخانه، سال دوم، شمارة دوم و سوم (تابستان و پاييز 1371)، ص 79-80.

[3] . عباس حري، مروري بر اطلاعات و اطلاع‌رساني. تهران: دبيرخانه هيأت امناء كتابخانه‌هاي عمومي كشور، 1373، ص 80-81.

[4] . جي. ا. يون، «سياست اطلاع‌رساني در افريقاي جنوبي نوين»، ترجمة عبدالحسين آذرنگ، فصلنامه كتاب، دورة هفتم، شمارة سوم (پاييز 1375)، ص 112-113.

[5] . پيشين، اطلاعات و ارتباطات، ص 87-89.

[6]. پيشين، سياست اطلاع‌رساني در افريقاي جنوبي نوين، ص 115.

[7] . اكمل‌الدين احسان اغلو، «شبكه بين‌المللي اطلاع‌رساني در حوزة فرهنگ در ميان كشورهاي اسلامي«، ترجمة عبدالحسين آذرنگ، در شبكة اطلاع‌رساني در كشورهاي اسلامي. تهران: دفتر پژوهشهاي فرهنگي، 1369، ص 23-24.

[8] . پيشين، اطلاعات و ارتباطات، ص 106-107.

[9] . پيشين، توسعة نظامهاي ملي اطلاع‌رساني در كشورهاي اسلامي، س 84-85.

[10] . محمد اسماعيل كلانتري، «نگاهي به مراحل گوناگون در طراحي يك سيستم اطلاع‌رساني». اطلاع‌رساني، دوره 11، شمارة 1، 1373، ص 13-15؛ پيشين، اطلاعات و ارتباطات، ص 108.

[11] . پيشين، مروري بر اطلاعات و اطلاع‌رساني، ص 81-83.

[12] . پيشين، مروري بر اطلاعات و اطلاع‌رساني، ص 83.

[13] . م. باواكوتي، «نقش كتابخانه‌هاي ملي در شبكه بين‌المللي اطلاع‌رساني اسلامي»، ترجمه شيرين تعاوني، در شبكه‌ اطلاع‌رساني در كشورهاي اسلامي، تهران: دفتر پژوهشهاي فرهنگي، 1369، ص 45-47.

[14] . «كميسيون اطلاع‌رساني، رهيافت، شمارة 14 (زمستان 1375)، ص 73-74.

[15] . پيشين، سياست اطلاع‌رساني در افريقاي جنوبي نوين، ص 117-119.